بگذار بگویم:
من از سراب این و آن بریدم
من از عطش، ترانه آفریدم....

اینجا «جوانه»، صفحه‌ای ویژه نوجوانانِ باحال و پرانرژیه!
حرف‌های ما رو دنبال کنید و باهامون حرف بزنید.
شماره تماس: ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰۰ شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹
کانال تلگرامی ما: @zendegisalam
صفحه ما در اینستاگرام: zendegisalam2

PV!

مامان! بابا! دوستتون دارم

سمانه‌علویان. مشاور

همه ما از بچگی تا الان هر چیز مطلوب و خواستنی که دیدیم، یه عکس ازش گرفتیم و گذاشتیم یه گوشه ذهنمون و حالا همه اون تصاویر، مثل یک آلبوم عکس شده که بهش می گیم «دنیای مطلوب». اگر بخوایم تصاویر دنیای مطلوبمون رو طبقه‌بندی کنیم، به سه دسته تقسیم می شن:

*افرادی که بسیار دوست داریم با اونا باشیم.
*چیزهایی که بسیار دوست داریم داشته باشیم یا تجربه کنیم.
*نظام باورها و اعتقادات و ارزش‌هایی که رفتار ما رو شکل می‌دن.

بنابراین وقتی ما با یک فرد یا موقعیت یا نگرش جدید روبه‌رو می‌شیم، اول اون رو با تصاویر دنیای مطلوبمون می‌سنجیم و بعد ممکنه به دنیای مطلوبمون اضافه بشه یا نشه. به این بستگی داره که چقدر با تصاویر دنیای مطلوب ما هماهنگ باشه یا در واقع چقدر برای ما مطلوب و خواستنی باشه. مثل مدرسه جدید، معلم جدید، دوستان جدید و حتی مباحث درسی جدید.

آیا ممکنه تصاویر دنیای مطلوبمون عوض بشه؟

جواب در بیشتر موارد بله است. وقتی ما اطلاعات و دانش جدیدی به دست میاریم، ممکنه دیگه یک شخص برامون ارزشمند نباشه یا دیدگاه فکری‌مون تغییر کنه و یک سری چیزهایی که دوست داشتیم، دیگه دوست نداشته باشیم. البته این اتفاق اصلا به این راحتی نمی‌افته. چون دنیای مطلوب ما یک بخش خیلی خیلی مهم از ذهن و روان ماست و حاضر نیستیم به راحتی ازش دل بکنیم. اما چرا گفتم در بیشتر موارد و نگفتم در همه موارد؟ به این خاطر که از مجموع تصاویر دنیای مطلوب، دو تصویر هست که تقریبا هیچ‌وقت از بین نمی‌ره و همیشه در دنیای مطلوب ما خواهد ماند: «مادر» و «پدر»

پس چرا اینقدر باهاشون چالش داریم؟

نوجوانی دوره‌ای از زندگی ماست که توی اون، بیشترین چالش‌ها رو با والدینمون داریم. آخه تا قبل از این کودک بودیم و خودمون رو به شدت وابسته به اونا حس می‌کردیم اما الان احساس می‌کنیم بزرگ و صاحب ایده شدیم، دنیای ما با دنیای اونا کلی فرق داره و الان می‌تونیم به طور مستقل برای خودمون فکر و نظر داشته باشیم. در عین حال اونا رو دوست داریم و توی دنیای مطلوبمون جایگاه ویژه‌ای دارند. به خاطر همینه که مشکل داشتن با اونا، ما رو خیلی اذیت می‌کنه.

تو تنها نیستی

تقریبا بیشتر نوجوان‌ها و والدینشون دچار این تعارض‌ها هستند اما جالبه که کمتر به فکر حل مسئله و بهتر کردن اوضاع می‌افتند. البته من نوجوان‌های زیادی رو می‌شناسم که تلاش کردند رابطه با والدینشون رو بهبود ببخشند؛ تو هم می‌تونی یکی از اونا باشی. حالا که متوجه شدی اونا هیچ‌وقت از دنیای مطلوبت بیرون نمی‌رن، سعی کن از بودن در کنارشون لذت ببری. چه اشکالی داره که تو پیش‌قدم بشی برای ساختن رابطه‌ت با اون‌ها. چه اشکالی داره که بعضی‌وقتا تو یادشون بندازی که این رابطه خیلی مهمه؟ بهش فکر کن و ببین تو چه کارهایی می‌تونی بکنی. دستات خالی نیست، پُر از مهربانی و بخشش و ذهنت سرشار از ایده‌های خلاقانه و زیبا. خودتو باور کن!

#حال خوب

تصویرساز: مریم‌سادات منصوری

هر ماجرا، یک تجربه‌ست؛
از ماجراها عبور کن و تجربه رو دریاب!

فیلم نوجوان

شازده کوچولو

حتی اگر زیاد اهل مطالعه نباشید، حتما کتاب «شازده کوچولو» به قلم آنتوان دو سنت‌اگزوپری، نویسنده فرانسوی را خواندید. یک قصه جذاب از خلبان یک هواپیمای تک‌نفره که در صحرای بزرگ آفریقا فرود می‌آید و طی اتفاقاتی، هستی و عشق و دوستی را از دریچه نگاهِ کودکی که از اختر ک دوری به زمین آمده می‌بیند. پویانمایی «شازده کوچولو»، اقتباس جذابی است از این کتاب که «خوانده شده‌ترین» و «ترجمه شده‌ترین» کتاب فرانسوی‌زبانِ دنیا لقب گرفته. پویانمایی، قصه دختر کی است که به همراه مادرش در خانه‌ای زندگی می‌کند و در همسایگی‌شان، همان خلبانِ کتاب شازده کوچولو که حالا سالمند شده ساکن است. قصه، از جایی شروع می‌شود که دخترک و پیرمرد تصمیم می‌گیرند تلاش کنند یک بارِ دیگر، شازده کوچولو را که حالا نوجوان است ملاقات کنند. یک کارتونِ دیدنی به کارگردانی «مارک آیزنبرگ» خالقِ پاندای کونگ‌فوکار که در سال ۲۰۱۵ ساخته و توزیع شده و نسخه دوبله و زیرنویس دارش در شبکه نمایش خانگی موجود است.

کتاب نوجوان

ساندویچ سوسیس با همه‌چی!

مهسا فارسی- تا به‌حال شعر گفته‌اید؟ تا به‌حال فکر کرده‌اید چطور می‌توان یک شعر خوب گفت؟ با استعداد و مهارت؟ با کنار هم گذاشتن کلمات؟ با آهنگ و قافیه یا با فکر و خیال؟ «با همه چی» آخرین کتاب منتشر شده از یادداشت‌ها و نقاشی‌های شل سیلور استاین، به شما می‌گوید چطور می‌شود به همه چیز نگاهی متفاوت داشت و چگونه قدرت تخیل به کار می‌آید تا شعری زیبا و تاثیر گذار شکل بگیرد. نمی دانم «عموشلبی» (لقب شل سیلور استاین) را می‌شناسید و کتاب‌هایش را خوانده‌اید یا نه. اگر با دنیای شگفت‌انگیز او آشنایید یا تا به‌حال پا به دنیای شاد و رنگارنگ آثار او نگذاشته‌اید، به هر حال پیشنهاد این هفته من به شما، کتابی از اوست. رضی هیرمندی مترجم ادبیات طنز به همراه مهرنوش پارسانژاد، «با همه‌چی» را ترجمه کرده‌اند تا ماجراهای «سوسیس با همه‌چی»، «مغازه کله‌فروشی»، «نیروی احترامی» و «۲۰۱ قطعه دیگر» را بخوانیم و تصاویر خیال‌انگیزش را ببینیم. یاد بگیریم از اتفاقات ساده، از تصور غیر ممکن‌ها لذت ببریم و در یک جمله مانند عموشلبی، کودکی‌مان را در چمدانی، همه جا همراهمان ببریم. این کتاب را نشر افق منتشر کرده و قیمتش ۱۱ هزار تومان است.

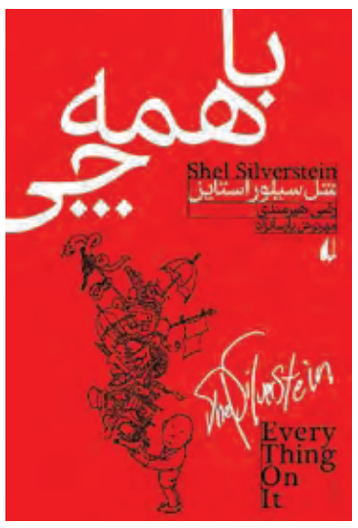

تن تن در شهر

گپی با یک نوجوان خوشنویس

خالق حروف پرپیچ و تاب!

الهه توانا- حروف را روی کاغذ می‌رقصانی و با قلم و مرکب، صفحه‌ای سفید و بی‌روح را جان می‌بخشی. لازم نیست خوشنویس باشی تا واژه‌های زیبا سر ذوقت بیاورند، اما باید خوشنویس باشی تا از لذت آفرینش این حروف پرپیچ و تاب بهره‌مند شوی. هنرمندان خوشنویس مثل هر رشته هنری دیگر، موسپید می‌کنند تا به بالاترین درجات هنری برسند. اما امروز با دختری آشنا می‌شویم که در سن کم، به جایگاه خوبی در خوشنویسی رسیده و آینده درخشانی در پیش رو دارد. آرزو طوسیِ هنرمند و خوش‌اخلاق، مهمان امروز تن تن است.

خوشنویس عالی!

آرزو، خوشنَویسی را از هشت سالگی شروع کرده است، می‌گوید: «من از بچگی عضو کانون پرورش فکری بودم. در کلاس آموزشی خاصی شرکت نمی‌کردم، فقط کارگاه‌های کاردستی و نمایش و اینجور چیزها. در همین رفت‌وآمدها به کلاس خوشنویسی برخوردم و خوشم آمد. به همین سادگی شروع شد تا الان که در سطح «عالی» خطِ نستعلیق هستم. خوشنویسی چندین سطح دارد و برای گرفتن مدرک هر کدام، باید امتحان بدهیم. بعد از عالی، دو سطح دیگر هست: «ممتاز» و «فوق ممتاز». انگار هنر در خانواده طوسی موروثی است؛ امیرحسین برادر کوچک‌تر آرزو هم خوشنویس قابلی است.

استعداد یا پشتکار؟

از آرزو می‌پرسم، از دست‌آدم‌های بدخط عصبانی نمی‌شوی؟ با خنده می‌گوید: «نه، هر کس توی یک چیزی استعداد دارد دیگر». البته به نظر می‌رسد آرزو در خیلی چیزها استعداد داشته باشد؛ او شناگر ماهر و پیانیست خوبی هم هست. نمی دانم چه طور می‌تواند به همه این‌ها برسد. خودش توضیح می‌دهد: «من همه این کارها را از سن کم شروع کردم؛ برای همین الان مدیریت وقت و برنامه‌ها برایم عادی شده و سخت نیست. مثلا وقتی از مدرسه برمی‌گردم (آرزو دانش‌آموز مدرسه تیزهوشان است) به کلاس شنا می‌روم. بعدش استراحت می‌کنم و درس می‌خوانم. در فاصله بین درس خواندن‌ها هم تمرین خط و موسیقی می‌کنم».

هری، تام، مجنون و دیگران!

به نظر شما با این همه کار، وقتی برای تفریح می‌ماند؟ آرزو که می‌گوید: «بله. تفریح من کتاب خواندن است. عاشق کتاب‌های تخیلی مثل «هری پاتر» و ماجراجویی مثل «تام سوئیفت» هستم. ادبیات را هم خیلی دوست دارم و فیه‌مافیه مولانا و لیلی و مجنونِ نظامی را خوانده‌ام». از آرزو درباره دوره نوجوانی می‌پرسم. او معتقد است: «وقتی مشغول نوشتن هستیم ممکن است سر قلم خراب شود. کسی به خاطر قلم خراب، خوشنویسی را کنار نمی‌گذارد، بلکه قلمش را درست می‌کند. نوجوانی هم همین طور است. به نظرم اگر سختی یا مشکلی پیش بیاید، آدم نباید کم بیاورد. شاید باید روشمان را عوض کنیم».

عکاس: صادق ذباح
تصویرساز: لیلا تیموری‌نژاد

کمیک

دام‌های فضای مجازی برای نوجوانان!

متن: صابری- تصویرساز: مرادی